

E

echoic memory

حافظه پژواکی، حافظه

صوتی

(نک: echoic store).

echoic store

خزانه پژواکی

خزانه صوتی، نوعی حافظه کوتاه مدت صوتی که شنیده‌های فرد در آن به صورت پردازش نشده برای مدت کوتاهی نگهداری می‌شود. مثلاً وقتی که شما مشغول خواندن روزنامه هستید، شخصی از شما سؤالی می‌کند. شما سر خود را بلند کرده می‌پرسید "چه گفتی؟". در عین حال چون سؤال را به یاد می‌آورید قبل از اینکه او سؤالش را تکرار کند پاسخ می‌دهید.

ecological validity

روایی بوم شناختی،

اعتبار محیطی

روایی عملی، میزان ارتباط یک نظریه، آزمایش یا آزمون با آنچه در واقعیت روزمره زندگی جریان دارد.

edges

لبه‌ها

خطوط و مرزهایی که یک شکل یا جسم را در میدان بینایی ما از اشکال و اجسام دیگر جدا می‌کند و بدین ترتیب محل و محدوده هر چیز در فضا مشخص می‌شود.

educational psychology

روان‌شناسی تربیتی

بررسی یادگیری و تعلیم و تربیت از دیدگاه روان‌شناسی.

EEG

ای ای جی

(نک: electroencephalography)

effect

اثر، عامل مؤثر

(نک: main effect)

effective procedure

رویه مؤثر

در اصطلاح مینسکی (Minsky) مجموعه قواعد روشنی است که بدون این که نیاز به تفسیر داشته باشد در هر لحظه به دقت مراحل و چگونگی عمل را نشان می‌دهد.

(نیز نک: decision procedure)

efferent pathways

گذرگاه‌های وایران

مسیرهای انتقال اطلاعات (نکانه‌های عصبی) از دستگاه عصبی مرکزی به اعضای حرکتی (ماهیچه‌ها) و غدد. (نیز نک: afferent pathways)

egocentrism

خود محوری، خود میان

بینی

از نظر پیاژه این ویژگی مهم شناختی در کودکان (خصوصاً کودکان زیر هفت سال) موجب می‌شود که آنها نتوانند متفاوت بودن زاویه دید دیگران را به اشیا درک کنند. کودک در این دوره خود را مرکز جهان می‌داند و همه چیز را صرفاً بر محور بدن خود و اعمال خود می‌شناسد. (نک: decentration)

eidetic imagery

تصویر ذهنی روشن

در معنای خاص، هبر (Haber) این اصطلاح را برای اشاره به تصاویر ذهنی که تا مدتی پس از پویش (نک: scanning) یک منظره در ذهن نقش می‌بندد به کار برد.

elaboration

بسط و تفصیل

این اصطلاح در مباحث حافظه به کار می‌رود. انسان به طور هشیار و ناهشیار آنچه را که به حافظه سپرده است دستکاری می‌کند و گاه آن را به کمک سایر معلوماتش بسط و تفصیل می‌دهد.

elaborative rehearsal

تمرین تفصیلی یا بسط

دهنده

تمرین تفصیلی نوعی از تمرین است که توسط کریک و لاکهارت در الگوی پیشنهادی آنها برای سطح پردازش حافظه مطرح شده است. تمرین تفصیلی شامل پردازش عمیق معنایی مواد یاد سپردنی است به نحوی که منجر به حافظه بادوام می‌گردد.

electroencephalography (EEG)

برق نگاری مغز، ای ای

جی

ثبت تغییرات و تفاوت‌های پتانسیل الکتریکی در نقاط مختلف کاسه سر که ناشی از جریان ضعیف الکتریکی در مغز است. این روش نشان داده است که برخی فعالیت‌های شناختی با الگوی الکتریکی خاصی همراه است. (نیز نک: alpha wave).

eliminative materialism

ماده‌گرایی یا مادیگری حذفی

نظریه‌ای که می‌گوید برخی مفاهیم معمول در روان‌شناسی (مانند عقیده، میل، معنا و مقصود) از مقوله‌های واقعی شناخت نیستند. مقوله‌های واقعی همان چیزهایی هستند که در تحقیقات عصب شناختی یافته می‌شوند و مفاهیمی که قابل تقلیل به مفاهیم عصب شناختی نیستند باید به مرور که عصب‌شناسی توانمند می‌شود کنار گذاشته شوند.

Eliza

الیزا

یکی از اولین برنامه‌های هوش مصنوعی که در سال ۱۹۶۶ توسط ویزنباوم (Weizenbaum) طراحی شد. این برنامه می‌تواند روش روان‌درمانی غیر مستقیم راجرز را در قلمروی محدود و مسیری مشخص تقلید و اعمال کند.

embodiment

تجسم، تجسد

تجسم عبارتست از صفت بدن یا پیکره داشتن و تجربه دنیا از طریق آن

emotion (s)

هیجان، احساسات

در معنای عام شامل کلیه حالات احساسی و عاطفی و وضعیت بدنی و روانی در این گونه حالات است. این معنا اعم از معنای معمول هیجان در فرهنگ فارسی است که مترادف با حالات برانگیختگی شدید است. در قاموس روان‌شناسی این واژه گاهی مترادف با عاطفه (affect) به کار می‌رود.

emotional intelligence

هوش هیجانی

توانایی مدیریت مؤثر هیجان‌های خود و دیگران

empirical testability

آزمون پذیری

تجربی

قابلیت آزمون شدن یک فرضیه به روش تجربی.

empiricism

تجربه

گرایی

پذیرش روش تجربی به عنوان تنها روش تحصیل علم. گاهی در معنای اخص آن به دیدگاهی اطلاق می‌شود که معتقد است دانش فقط از طریق تجربه (به خصوص تجربه حسی) اکتساب می‌شود و انسان معلومات فطری یا مستقل از تجربه ندارد.

enactment

حکم، وضع

وقتی افراد عمل می‌کنند آنها ساختارها و رویدادهایی را به وجود آورده، به عمل در می‌آورند. فرایند وضع دو مرحله دارد.

اول، پیش ادراکها که منجر به تمرکز بر محرک از پیش تعیین شده می‌شود و دوم، اقدام که باعث تقویت آن پیش ادراکها می‌گردد. بدین ترتیب، توجه به محرکهای معین منجر به عمل می‌شود و در نتیجه اهمیت آن محرکها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

رمز گذاری، رمزگردانی
رمز گردانی، تبدیل اطلاعات به صورت نمادها و رمزهای مشخص. رمز گشودن از اطلاعاتی که يك بار رمز گذاری شده است.

اختصاصی بودن رمزگذاری، ویژگی رمز گذاری
بنابر این اصل که توسط تالوینگ (Tulving) مطرح شده است چیزی که باید به خاطر سپرده شود بر حسب زمینه مطالعه و موقعیت یادگیری به طور خاصی رمزگذاری می‌شود. در نتیجه، به هنگام بازیابی نشانه‌هایی که به فرد داده می‌شود باید با آن زمینه مطالعه و رمزگذاری اولیه تناسب داشته باشد. (نیز نک: cue-dependent forgetting و encoding specificity و generation-recognition hypothesis)

افت، هزرش، انتروپی
در اصطلاح روان‌شناسی شناختی به میزان عدم قطعیت در کامل کردن يك رشته اطلاعات یا حل يك مسئله گفته می‌شود. مثلاً هرچه تعداد بیشتری راه انتخاب در پاسخ به يك سؤال یا حل يك مسئله وجود داشته باشد افت آن سؤال یا مسئله بالا است به عبارت دیگر سازمان یافتگی‌اش کمتر است. در اصطلاح روانکاوی به میزانی از انرژی روانی گفته می‌شود که به شیء خاصی اختصاص یافته است و لذا جهت استفاده در اختیار دستگاه روانی نیست.

صرع
فرد مبتلا به صرع که گاه دچار حملات صرعی می‌شود. حمله صرعی ناشی از تخلیه الکتریکی نابهنجار توسط سلولهای مغز است و طی آن شخص به طور موقت هشیاری و ادراکش ضعیف می‌شود یا کنترل ماهیچه‌ها را از دست می‌دهد یا به هردو دچار می‌شود.

پدیده‌های حاشیه‌ای
پدیده‌هایی که در کنار يك پدیده اصلی می‌آیند و در واقع نقشی در رویدادها ندارند.

نظریه پدیده‌های حاشیه‌ای
نظریه‌ای فلسفی که می‌گوید ذهن، روان، هشیاری و امثال آنها اصالت ندارند بلکه محصول دستگاه پیچیده بدن و خصوصاً اعصاب هستند.

حافظه رویدادی
به نظر تالوینگ (Tulving) حافظه درازمدت را به دو نوع یا بخش می‌توان تقسیم کرد، یکی حافظه رویدادی و دیگری حافظه معنایی (نک: semantic memory). تمایز این دو بیشتر از لحاظ محتواست نه از نظر فرایند. محتوای حافظه رویدادی اطلاعاتی است که قیود زمان و مکان و صفات مشخصه دیگر را با خود حفظ کرده است. اما آنچه در حافظه معنایی ذخیره می‌شود فاقد این تعیینات و ویژگیهای ادراکی بوده و بیشتر به شکل معلومات عمومی است.

معرفت شناسی
نظریه دانش، بخشی از فلسفه که درباره ماهیت، منابع و محدودیتهای علم بشر و باورها و قضاوت‌های او مطالعه می‌کند.

تعادل جوی
در اصطلاح پیازه فرایندی در دستگاه شناختی فرد است که همواره بین درون سازی (نک: assimilation) و برون سازی (نک: accommodation) تعادل برقرار می‌سازد، به طوری که با هر تعادل جدید که برقرار می‌شود فرد به سطح بالاتری از رشد شناختی نایل می‌شود.

هم توانی
نظریه‌ای که می‌گوید سازمان مغز انعطاف پذیر است. به طوری که يك وظیفه معین را ساختارها و اجزای

گوناگون مغز می‌توانند به عهده گیرد. به عبارت دیگر چنین نیست که هر بخشی از مغز فقط برای یک کار ساخته شده باشد.

کار پژوهی ergonomics
علمی که محیطها و ابزارهای کار انسان و تعامل آنها را با انسان مطالعه می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تغییر این عوامل در میزان بازده کار و بهداشت کار تأثیر می‌گذارد.

تحلیل خطا error analysis
تحلیل خطا روشی برای سنجش میزان خطا پذیری الگوهای پیشنهادی در علوم شناختی است تا کسب اطمینان شود که الگوی پیشنهادی قویاً معادل سامانه‌ای است که درصدد توضیح آن می‌باشد. در این روش مسایل از نظر دشواری و شانس خطا پذیری درجه‌بندی می‌شوند.

ادراک فراحسی ESP
(نک: extrasensory perception)

رفتارشناسی حیاتی ethology
مطالعه زیست شناختی رفتار و رشد فردی و تکامل نوعی رفتار.

رویداد event

نمونه برجسته exemplar
مصادق نمونه‌ای که از یک مفهوم در ذهن تشکیل می‌شود. (نیز نک: prototype)

جست و جوی جامع exhaustive search
روش‌ی در پاسخ به یک سؤال یا در حل یک مسئله که ضمن آن فرد به جای جست و جوی تصادفی یا پیمودن راه‌های میانبر، کلیه شقوق ممکن را می‌جوید و می‌کاود تا پاسخ یا راه حل درست را بیابد.

پردازش متکی بر انتظارات expectation-driven processing
عنوان دیگری برای پردازش نزولی (نک: top down processing).

خبیره، کارشناس expert

حل کننده خبره مسئله expert problem solver
انسان یا ماشینی که در حل مسایل خاصی خبره است. (نیز نک: expert system)

سامانه‌های خبره expert system(s)
نوعی سیستم هوش مصنوعی که توانایی فردی را که در زمینه خاصی تخصص دارد در عمل از خود نشان می‌دهد. هر سیستم خبره شامل سه بخش اصلی است: اول معلومات پایه که به روشی که "مهندسی دانش" (knowledge engineering) نام دارد از انسان‌های متخصص اقتباس و جمع‌آوری شده است. دوم مجموعه‌ای از قواعد تصمیم‌گیری که معین می‌کند در شرایط مختلف چه عملی باید انجام شود و سوم یک قوه استنباط که قواعد مناسب را روی معلومات پایه به کار می‌برد.

خبرگی expertise
تخصص، مهارت در یک رشته یا زمینه یا کار خاص. در روان‌شناسی شناختی خبرگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا معلوم شود افراد خبره در یک زمینه از لحاظ چگونگی پردازش شناختی و انجام مهارت‌ها چه امتیازاتی نسبت به دیگران دارند.

طرحواره توضیحی explanation schema
بازنمایی ذهنی از الگوی پیوندهای علی

حافظه صریح explicit memory
مطالعه بیماران مبتلا به فراموشی (امنزی) نشان داده است که حافظه می‌تواند کلاً بر دو نوع باشد: یکی حافظه صریح که فرد به آن خودآگاهی دارد و می‌تواند محتوای آن را بیان کند، و دیگری حافظه ضمنی (implicit memory)، که فرد ممکن است به آن خودآگاهی نداشته باشد، ولی عملکردش فعالیت آن حافظه را نشان

دهد. آن نوع حافظه که معمولاً تحت تأثیر بیماری فراموشی قرار می‌گیرد حافظه صریح است.

expressive

بیانی

در معنای خاص به نوعی گفتار با هدف (نک: speech act) گفته می‌شود که معمولاً کلمات آن بدون توجه به معنا ادا می‌شود و صرفاً برای پر کردن فضاهای خالی در گفتار و روان نگاه داشتن جریان گفت و گو و یا مؤدبانه ساختن کلام به کار می‌رود، مثل "لطفاً"، "بخشید" و "خیلی ممنون".

extension

بسط، تسری، شمول (مفهوم)

معنای هر لغت دارای دو مؤلفه است (۱) مرجع لغت که به چه چیزی اطلاق می‌شود (طبقه)، (۲) معنای لغت یا کلیه تداویجات روانی شناختی که با آن لغت برای فرد پدید می‌آید (مفهوم). به مؤلفه اول بسط می‌گویند و به مؤلفه دوم قبض، فشردن، تشدید (مفهوم) یا (intension). برای مثال واژه گربه دارای دو مؤلفه گربه به عنوان یک طبقه و گربه به عنوان یک مفهوم (تجربه شما با گربه، تاریخچه و صفات آن) می‌باشد.

extrasensory perception (ESP)

ادراک فراحسی

ادراک غیر معمول بدون استفاده از حواس پنجگانه. نمونه‌هایی از ادراک فراحسی عبارتند از غیب بینی (نک: clairvoyance)، پیش شناخت (نک: precognition) و دور آگاهی (نک: telepathy).

extraversion

برون‌گرایی

در گذشته منظور از برون‌گرایی و درون‌گرایی (introversion) دو تیپ شخصیتی متمایز بود که در تقسیم و شناخت افراد به کار می‌رفت. امروز هر یک از این دو مفهوم به مجموعه ویژگی‌ها و رفتارهای خاصی اشاره می‌کند که هر فردی ممکن است درجاتی از آنها را داشته باشد. آیسنک (Eysenck) رابطه برون‌گرایی و درون‌گرایی را با فعالیت‌های شناختی افراد مطالعه کرده و از جمله دریافته است که درون‌گرایان، در مقایسه با برون‌گرایان، انتخابگری بیشتری در توجه دارند، حافظه دراز مدت آنها برتر است، عملکردشان کندتر ولی دقیقتر است، توجهشان زودتر منحرف می‌شود و بازیابی شان از حافظه کارایی کمتری دارد.

eyewitness testimony

گواهی شاهد عینی

گواهی شاهد عینی. روان‌شناسانی مانند لوفتوس (Loftus) نشان داده‌اند که شاهدان عینی در هر سه مرحله رمزگذاری، اندوزش و بازیابی آنچه را شاهدش بوده‌اند ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله هیجانها و نوع حوادث قرار گرفته باشد.